

۸ مارس با شکوه در سنج



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش
بازگرداندن اختیار
به انسان است.
منصور حکمت

صفحه ۲
و ۳

اطلاعیه ها و قطعنامه های مراسم شکوهمند ۸ مارس در شهرهای کردستان

اعتصاب سراسری معلمان کردستان آغاز شد!

مقالاتی از:

عبدالله شریفی و

رئوف افسائی

صفحات

۵ و ۶

صفحه ۳

اطلاعیه و فراخوان جمعی از اعضای شرکت
تعاونی مسکن کارگران دخانیات و خباز سقز

صفحه ۲

شروع بکار مجدد تلویزیون انترناسیونال
هرشب ساعت ۹ الی ۹.۳۰ شب به وقت تهران

صفحه ۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ایسکرا

iraj_farzad@yahoo.com

سردبیر: ایرج فرزاد

فاکس: 00448701687574

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵

چهارشنبه‌ها منتشر میشود

کومه له،

مقابله

ناسیونالیستی

با تروریسم اسلامی

محمود قزوینی

صفحه ۴

مصاحبه با

ایرج فرزاد

در باره ایسکرا

صفحه ۷

اطلاعیه شماره ۱۴ کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۸ مارس با شکوه در سنندج

بیش از ۲۰۰۰ نفر در مراسم روز جهانی زن شرکت کردند.

داشت. مراسم با شکوه ۸ مارس در سنندج، حاوی چند سخنرانی و برنامه موزیک زنده و سرانجام ارائه قطعه‌های به این مناسبت بود.

گرامیداشت ۸ مارس پرشکوه سنندج را به زنان و مردان آزادیخواه، به جنبش آزادی و برابری و به مردم سنندج و سراسر ایران تبریک می‌گوییم. اخبار کامل گرامیداشت ۸ مارس سنندج و سایر شهرهای کردستان را در اطلاعیه‌های بعدی کمیته کردستان به اطلاع میرسانیم.

**گرامی باد روز جهانی زن
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
کمیته کردستان حزب کمونیست
کارگری ایران**
۱۸ اسفند ۱۳۸۲
۸ مارس ۲۰۰۴

امروز دوشنبه ۱۸ اسفند ۱۳۸۲ برابر با (۸ مارس ۲۰۰۴)، شهر سنندج به استقبال روز جهانی زن رفت. فضای شهر سرشار از شور و شوق گرامیداشت روز جهانی زن بود. بیش از ۲۰۰۰ نفر از زنان و مردان آزادیخواه و نسل جوان پرشور در گرامیداشت ۸ مارس در بزرگترین سالن شهر، "سالن آزادی" گردآمدند.

مراسم که از جانب انجمن حمایت از زنان فراخوان داده شده بود از ساعت ۳ بعد از ظهر شروع شد و تا ساعت ۵ و نیم ادامه

اطلاعیه و فراخوان جمعی از اعضای شرکت تعاونی مسکن کارگران دخانیات و خباز سقر

کارگران، زنان، جوانان، مردم آزادیخواه، احزاب و سازمانهای مترقی ایران و جهان!

همچنانکه اطلاع دارید جمهوری اسلامی از بدو به قدرت رسیدنش تا حال جواب خواسته‌های ما کارگران را با زندان، شکنجه، اعدام، اخراج از کار، گرسنه نگه داشتن فرزندانمان داده است، به گلوله بستن و قتل عام کارگران معترض مس خاتون آباد، شهر بابک، مردم ایذه نمونه زنده و گویای آن است.

رفقا! از بدو تاسیس سندیکای کارگران خباز و تعاونی مسکن کارگران دخانیات و خباز سقر تاکنون با توجه به نبود انسجام کافی و عدم درک موقعیت سیاسی و اجتماعی و اوضاع داخلی و خوش باور بودن ما کارگران و محدود بودن تعاونی مسکن، این تعاونی فقط در خدمت کسانی بود سازشکار، فریبکار، و یا فقط در فکر منافع خود بودند. تا سال ۸۱ اکثر مسئولین این تعاونی، متاسفانه از دست نشاندگان و یا آلت دست ارگانهای رژیم بودند. این تعاونی در سال ۷۵ به تصمیم شورای تامین شهر به عنوان تعاونی

مادر معرفی گردید و از کلیه ارگانها و مراکز کارگری برای ثبت نام در این تعاونی دعوت به عمل آمد. در این راستا تعداد ۸۰ نفر از کارگران سندیکای خبازان سقر نیز معرفی شدند و مجمع عمومی را تشکیل دادیم در این مجمع عمومی کسانی که رای آوردند و مسئولیت تعاونی را به عهده گرفتند قول مساعد دادند که در مدت یک سال به همه اعضا تعاونی مسکن زمین واگذار خواهند کرد. وعده و وعیدهای بی اساس اعضای هیئت مدیره چهار سال طول کشید. و هیچ اقدامی صورت نگرفت تا اینکه در سال ۷۹ کارگران خباز با هدایت و راهنمایی چند نفر از فعالین کارگری تصمیم به اعتصاب دسته جمعی گرفتیم، جمعی از ما کارگران خباز با خانواده‌های مان در مقابل در دخانیات تجمع نمودیم که همان موقع خبر آن از طریق رادیو اترناسیونال در سطح گسترده ای پخش شد، مسئولان دخانیات بلافاصله در برابر تجمع ما کارگران به نیروی نظامی و انتظامی متوسل شدند و در عرض کمتر از یک ساعت نیروهای رنگارنگ سرکوبگر رژیم را در محل حاضر

۸ مارس روز جهانی میلیونها انسان آزادیخواه و برابری طلب است. جنبش عظیم زنان در این روز کيفر خواست خود را علیه یک دنیای ستمگری، خشونت، بی حقوقی، تبعیض و نابرابری طرح میکند و دادخواست انسانی خود را بر ضد نظام سرمایه‌داری بعنوان منشاء همه مشقات امروز جامعه بشری اعلام میدارد. ما زنان و مردان شرکت کننده در مراسم ۸ مارس همصدا با زنان و مردان معترض جهان خواست و مطالبات خود را اعلام و برای تحقق آن مبارزه میکنیم.

نمودند و تهدیدات خود را شروع کردند موقعی دریافتند که تهدید شان کارساز نیست به دروغ و نیرنگ متوسل شدند و قول دادند که در مدت یک ماه مشکلات تعاونی را حل و جواب قطعی را به ما کارگران خواهند داد و با این فریب و نیرنگها موفق شدند ما کارگران را متفرق کنند. اما مانند همیشه قول و قرارهای شان دروغ از آب در آمد. دوباره مبارزه و اعتراض ما شروع شد و کارگران با مبارزات پیگیر خود موفق شدند مسئولین را وادار به برگزاری مجمع عمومی کنند. در سال ۸۰ مجمع عمومی تاسیس و در این مجمع انتخابات برگزار شد و چند نفر از کارگران خباز و دو نفر از اعضای قبلی هیئت مدیره تعاونی به عضویت هیئت مدیره جدید انتخاب شدند. در تاریخ مهر ماه ۸۱ هیئت مدیره جدید کار خود را با جدیت شروع نمود و بلافاصله سر و سامان دادن به کار تعاونی مسکن کارگران خباز و دخانیات شروع شد. بعد از مدتی که پیشرفت هایی در کارهای تعاونی صورت گرفت. دشمنان ما کارگران که مانند همیشه چشم دیدن این موفقیتها را نداشتند

۱- برسمیت شناسی حقوق برابر برای زن و مرد در همه فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی
۲- لغو قوانین زن ستیز مردسالارانه و نابرابر.
۳- تعیین حقوق و دستمزد برابر برای همه آحاد جامعه اعم از زن و مرد.
۴- تامین بیمه‌های اجتماعی، بازنشستگی، کارافتادگی و بازنشستگی، بیمه بیکاری و برخورداری از حقوق و مزایای برابر با مردان برای زنان خانه‌دار
۵- سنگسار کردن، خشونت بر زنان و قتلهای ناموسی را جنایت و وحشیگری علیه بشریت میدانیم و آن را محکوم میکنیم.

دست به کار شدند و کارشکنی را شروع نمودند، تا زحمات و موفقیت های ما کارگران را کم رنگ جلوه دهند. عوامل خانه کارگر و اداره کار، یکی از مالکین زمینهای خریداری شده را که خود یکی از سرمایه داران شهر و جزئی از پیکره این نظام گندیده است ترغیب نمودند شکایتی را تنظیم و با اجیر کردن وکیل به نام وفا حسینی که هم خود و هم پدرش از پاسداران آدمکش جمهوری اسلامی هستند به بیدادگاه رژیم تحویل دهد و این در حالی بود که سالها از خرید زمین گذشته بود و شخص مذکور تا این اواخر اعتراضی نداشته است. و با پرداخت ۵۰ میلیون تومان رشوه و حق وکالت سد راه عملیات آماده سازی تعاونی شده است. و با اینکه تعاونی ما کارگران، از طرح شکایت مالک و ارائه آن به دادگاه بی اطلاع بوده و مالک با بند و بست با ماموران دادگاه رژیم در مدت دو هفته توانسته بود حکم توقیف عملیات آماده سازی را دریافت و به تعاونی ابلاغ نماید بدون اینکه تعاونی از طرح شکایت مطلع شده باشد. جالب اینکه در مدت دو هفته

قطعه‌نامه مراسم روز جهانی زن ۱۸ اسفند ۱۳۸۲ - ۸ مارس ۲۰۰۴ - سنندج

قطعه‌نامه

۶- از اعتراض معلمان، کارگران و دانشجویان برای دستیابی به مطالبات برحقشان، پشتیبانی میکنیم.
۷- آپارتاید جنسی را محکوم میکنیم.
زنده‌باد جنبش برابری طلبی زنده‌باد ۸ مارس

**شرکت کنندگان
۸ مارس ۲۰۰۴ - سنندج**

باز تکثیر از کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

دادگاه بدون حضور هیئت مدیره تعاونی مسکن کارگران خباز و دخانیات و یا نماینده آن دو جلسه دادگاه ترتیب داده بود و یکی ماموران نیروی انتظامی را موظف کرده بود ساعتها دم در مسئول تعاونی منتظر بماند تا حکم توقیف را ابلاغ کند. بعد از ابلاغ حکم کذائی قاضی پرونده در دادگاه، حتی از دریافت لایحه اعتراضی مسئولان تعاونی به حکم توقیف عملیات خودداری نمود. اما کارگران با جمع آوری طومار اعتراضی و تهدید به اعتصاب در برابر فرمانداری و تلاش مستمر نمایندگان کارگران دادگاه را مجبور کردند که در حکم خود تجدید نظر و دوباره جلسه دادگاه را تشکیل دهد. در تاریخ ۱۸-۱۰-۸۲ جلسه دادگاه تشکیل شد و در این جلسه وکیل مالک ۱۰ روز مهلت خواست تا بتواند بین طرفین توافق حاصل نماید؛ با این ترفند و کمک قاضی پرونده موفق شد ده روز مهلت دریافت دارد. مدت زیادی است مهلت ۱۰ روز هم به پایان رسیده است. حالا ۴۵ روز از تاریخ

اطلاعیه شماره ۱۶ کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

مراسم شکوهمند ۸ مارس در شهرهای کردستان

سندج:

در اطلاعیه شماره ۱۴ از ۸ مارس باشکوه سندج خبر دادیم. مراسمی که از جانب انجمن حمایت از زنان فراخوان داده شده بود، با استقبال وسیع و پرشور زنان و مردان آزادیخواه سندج روبرو شد. گزارشهای رسیده ابعاد متنوع این متینک باشکوه را منعکس میکند. مراسم از ساعت ۳ بعد از ظهر تا ساعت ۵ و نیم ادامه داشت. مهمانان قابل توجهی از شهرهای دیگر به این مراسم آمده بودند. برنامه مراسم با یک دقیقه سکوت به یاد و احترام جانبختگان راه آزادی و برابری آغاز گردید.

در این مراسم تعدادی از زنان و مردان آزادیخواه سخنرانی کردند. آنها در صحبت‌هایشان خواستار رفع کامل تبعیض از زنان، لغو اعدام و ... شدند. همچنین سخنرانان از کبرا رحمانپور دفاع کرده و آزادی وی را خواستار شدند. در این سخنرانیها ضمن تأکید مکرر بر برابری کامل زن و مرد، همچنین از حقوق به تعویق افتاده و پایمال شده کارگران و معلمان دفاع شد. در فواصل برنامهها موزیک و

آهنگهای شاد پخش شد که با کف زندهای دسته جمعی و ممتد حاضرین همراه میگشت. در مراسم ۸ مارس سندج قطعهنامه ۷ ماده‌ای به تصویب رسید که متن آن به همراه این اطلاعیه در دسترس است.

نیروی انتظامی و عوامل اطلاعاتی رژیم در تمام طول مراسم به دخالت و کارشکنی پرداختند و همواره در صدد به تعطیلی کشاندن مراسم بودند. اما این تلاشهای مذبوحانه با دخالت حاضرین و تدابیر برگزارکنندگان خنثی گردید. گزارشهای ساسان سعید و هومن فرجام حاوی تصاویری کامل از این مراسم باشکوه است. توجه همه را به مطالعه این گزارشات جلب میکنیم)

پاوه:

بنا به گزارش رسیده، مراسم ۸ مارس در سالن امتحانات آموزش و پرورش برگزار شد. مراسم با تریک و شادباش از جانب مجری برنامه به همه کسانی که در راه آزادی و برابری زنان تلاش میکنند آغاز گردید. سپس سخنرانان مقالات و شعرهایی در رابطه با روز جهانی زن قرائت کردند. از جمله مطالب

ارائه شده: تاریخچه مفصل روز جهانی زن و تاریخچه مبارزات زنان در سطح ایران و نکته برجسته آن ارتباط جنبش کارگری با جنبش زنان بود. در ادامه سخنرانی حول ریشه ستمگشی زن و خشونت علیه زنان و اینکه عامل اصلی آن روابط حاکم بر جامعه است نه مردان.

سپس شعر و داستانهای کوتاه خوانده شد. هر چند با توجه به فضای حاکمیت موجود عده ای قلیل با نگرشهای ناسیونالیسم شبه مذهبی کرد میخواستند فضای مراسم را به نفع خود هدایت کنند، اما واقعا نگرش برابری طلبانه در مراسم قوی تر بود. در پایان قطعهنامه پایانی مراسم در ۴ بند با استقبال و کف زدن ممتد زنان و مردان حاضر در مراسم تأیید گردید. بندهای قطعهنامه:

۱ ما خواستار رفع تبعیض جنسی در تمام عرصه های اجتماعی و مخصوصا در نظام آموزشی کشور هستیم. ۲ ما خواستار برابری در امر ازدواج و طلاق در قوانین مدنی و قضایی هستیم. ۳ ما خواستار رفع خلا قوانین قضایی در مقابله با خشونت‌های مختلف علیه زنان در جامعه و

خانواده هستیم. ۴ با توجه به اینکه یکی از دلایل خودسوزی زنان را در منطقه تبعیض جنسی میدانیم لذا با قاطعیت آن را محکوم کرده و خواستار احقاق حقوق از دست رفته آنها هستیم. مراسم با پخش شیرینی و تریک گویی حاضرین پایان یافت.

سقز:

روز جهانی زن در سطح وسیعی گرامی داشته شد. ابتدا تصمیم بر این بود متینک علنی برگزار شود. این اقدام با تهدید مقامات رژیم روبرو شد. زنان و مردان آزادیخواه ابتکارات دیگری را به دست گرفتند. پلاکاردهای ۶ متری که بر آنها نوشته شده بود ۸ مارس روز جهانی زن گرامی باد" در چند میدان مرکزی شهر از جمله میدان عقاب، میدان یاد بود، روبروی اماکن، روبروی شهربانی، چهار راه آزادی، پل هوایی، دانشگاه پیام نور، نصب کردند. در مناطق مختلف شهر و مناطق مرکزی، از جمله در خیابان خمینی و اطراف میدان اصلی شهر ۱۳۰۰ بسته شیرینی حاوی یادداشت ۸" مارس روزجهانی زن گرامی باد" وسیعا پخش شد. شب قبل از شروع

روز جهانی زن صدها نسخه از پیام حزب کمونیست کارگری به مناسبت روز جهانی زن در سطح شهر و از جمله در محلات بردبران، تپه مالان، اطراف مسجد جامع، محله شافعی و محله شریف آباد و سلمان فارسی، کشتارگاه قدیم، پخش گردید. با مجموعه این اقدامات، فضای شهر متاثر از گرامیداشت ۸ مارس روز جهانی زن بود.

سردشت: به مناسبت روز جهانی زن بر بلندیهای اطراف شهر و در چند نقطه شهر آتش روشن شد. در محلات مختلف شهر از جمله خانقاه، سرچشمه، گردهسور، شعارهای زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن، حجاب منشاء بردگی و حقارت زن است و زندهباد حزب کمونیست کارگری نوشته شده بود.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری به زنان و مردان آزادیخواه در شهر سندج و دیگر شهرهای امسال ظرفیت بالای جنبش برابری طلبی و آزادیخواهانه را به نمایش گذاشت. نه تنها جنبش آزادیخواهانه زنان، بلکه کل جنبش آزادی و برابری گامها به جلو سوق یافت. این پیروزی و پیشروی بزرگ را به همه انسانهای حق طلب و به همه دست‌اندرکاران و حاضرین در این مراسمها باید تریک گفت.

اقتدار به جان آمده علیه رژیم استبداد و اختناق و ارتجاع جمهوری اسلامی است. این مبارزه باید در ابعاد سراسری و با همبستگی و حمایت مردم گسترش و تداوم یابد. تنها با حذف کامل رژیم اسلامی مردم میتوانند به آزادی و سعادت و خوشبختی دست یابند.

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد آزادی برابری حکومت کارگری کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ اسفند ۸۲

۹ مارس ۲۰۰۴

تنگ آمده از رژیم اسلامی این مبارزه را بخشی از تعرض سراسری و همگانی خود برای سرنگونی این رژیم و ساختن جامعه ای انسانی، آزاد و برابر میدانند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران از خواستهای عادلانه و برحق معلمان برای افزایش حقوقها، تأمین مسکن، لغو تبعیض و لغو تفتیش و کنترل در مدارس و... پشتیبانی میکند. دانش آموزان، دانشجویان، کارگران و همه مردم آزادیخواه را به حمایت از مبارزه معلمان فرامیخواند.

مبارزه معلمان بخشی از تعرض سراسری و همه جانبه توده های کارگر، جوانان، زنان و دیگر

اعتصاب سراسری معلمان کردستان آغاز شد!

اطلاعیه شماره ۱۷ کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

اعتصاب معلمان در شهرهای سندج و مریوان

از روز شنبه ۱۶ اسفند همزمان با شروع اعتصاب سراسری معلمان ایران، تحرک و جنب و جوش معلمان شهرهای سندج و مریوان برای شروع اعتصاب آغاز شده و در بعضی مدارس اعتصاب عملا شروع شده است. مشخصا مرکز تربیت معلم شهر سندج در اعتصاب بوده و به

سر کلاسها نرفته‌اند. دیروز دوشنبه اکثر دانشجویان و معلمان در حیاط تربیت معلم نشسته و پشتیبانی خود را از خواستهای معلمان از جمله

اطلاعیه انجمن معلمان سندج اعلام کرده اند. انجمن صنفی معلمان کردستان در اطلاعیه ای اعلام کرده است که از روز سه شنبه ۱۹ اسفند (امروز) تحصن و اعتصاب عمومی را آغاز میکنند.

در این مدت تهدیدات اداره آموزش و پرورش بخصوص حراست این اداره برای بازگشایی

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

کومه له، مقابله ناسیونالیستی با تروریسم اسلامی



محمود قزوینی

فقط می‌خواهد: «شهرهای نفت خیز کردستان شامل اداره جغرافیای مناطق کردنشین قرار گیرد»

همه سوال نویسنده این است که آیا کردستان عراق می‌تواند سهم بیشتری در قدرت آینده در عراق کسب کند. شهرهای نفت خیز ضمیمه جغرافیای حاکمیت احزاب کردی میشود؟ او برای این هدف ناسیونالیستی جنبش کرد، تکیه به آمریکا و متحدینش را توهم میداند و متوهمین یعنی احزاب طالبانی و بارزانی و روشنفکران کرد را فرا میخواند تا به جای تکیه به آمریکا و متحدینش و وعده های توخالی آنها، به مردم کرد تکیه کنند و البته بسیار خوشحال است که این توهم امروز دارد فرو میریزد.

واقعیت اینست است که بر خلاف نظر آقای محمد نژاد، طالبانی و بارزانی به آمریکا «توهم» ندارند، بلکه به عنوان بورژوازی کردستان با سرکرده بورژوازی بین‌المللی یعنی آمریکا در راستاس منافع خود همسو و وردست آمریکا هستند. اگر توهمی هست، توهم محمد نژاد و سازمان مربوطه کومه له به طالبانی و بارزانی و سازمانهای مربوطهشان است که بورژوازی کرد و جنبش کردستان؟! به نیروی کارگران و زحمتکشان تکیه کند و از نیروی مبارزه آنها برای کسب سهم بیشتر در آینده عراق بهره گیرد: «جنبش کردستان عراق امروز یک فاکتور اساسی در تحولات سینده عراق است و این جنبش زمانی میتواند دستاوردهای هر چند موقتی و کوچک خود را تثبیت کرده.....»

و دستاوردهای بیشتری کسب کند که به طور واقعی به نیروی اراده، مبارزه و تشکل جنبش کارگران، زحمتکشان و توده های مبارز در متن یک جنبش انقلابی متکی شده و توهمات بی حاصل به معاملات پشت پرده و وعده های جهانی را پشت سر بگذارد. او خود به عیان میگوید کومه له و ناسیونالیسم کرد چه می‌خواهد. هدف کومه له همان وعده های است که در معاملات پشت پرده طرح گردید. اما محمد نژاد و کومه له اعتقاد راسخ دارند که طرح این وعده ها در معاملات پشت پرده توسط صاحبان نظم

وضعیتی که امروز کرکوک دارد، نمیگوید. او یک کلمه در باره درگیریه و زد و خوردهای ملی و قومی در کرکوک نمیگوید. چرا که خود را در یک طرف این دعوا میبیند. او در کرکوک «کرد» است، پس از نظر او شهر کرکوک هم کردی است. او یک طرف این دعواست. او بدون توهم به وعده های آمریکا برای تصرف کرکوک و شهرهای نفت خیز کردستان تلاش میکند. او به وعده های آمریکا باور ندارد. او می‌خواهد برای تصرف کرکوک به احساسات محلی و قومی کارگران و مردم کرد زیان به نام کردی تکیه کند و آن را تحریک نماید.

آقای محمد نژاد مینویسد: «توافق عمومی شان این است که در آینده عراق مردم کرد کمترین دستاورد نصیبشان شود. به هر شکلی شده می‌خواهند این مردم رنجیده را کماکان در زیر چکمه های شوینسیسم و ستمگری ملی باقی بگذارند. اجازه نخواهند داد که کرکوک و شهرهای نفت خیز کردستان شامل اداره و جغرافیای مناطق کرد نشین قرار گیرد. نخواهند گذاشت که کردستان به لحاظ سیاسی به هیچ درجه ای از استقلال و خودکفایی برسد. مبادا که در آینده پا را از گلیم خود فراتر نهاد و بر خلاف منافع آنها ره به جایی دیگر ببرد.»

هر انسانی که به ناسیونالیسم آغشته نباشد امروز نگران سربرآوردن درگیریهای قومی و ملی در کرکوک است که در چند مورد قربانی نیز گرفت. هر انسانی که به ناسیونالیسم آغشته نباشد می‌خواهد اختلافات و تفرقه قومی و ملی در کرکوک خاتمه یابد و برای آن چاره جویی میکند. اما ناسیونالیسم و قومپرست به منفعت قوم و ناسیونال خود فکر میکند که چیزی جز منفعت بورژوازی منتسب به آن ملت چیز دیگری نیست. برای یک ناسیونالیست رویای «استقلال اقتصادی و خودکفایی» همه هدفش است. هر چند آن رویا به قیمت قتل عامهای خونین و پایان ناپذیر و گورهای دسته جمعی تمام شود. کاش آقای محمد نژاد به آمریکا توهم داشت. میلیتانت بودن محمد نژاد درگیری قومی و ملی را در کرکوک جلو میاندازد. آمریکا هم برای حاکمیت در عراق چیزی به جز همین دسته بندیهای قومی و ملی و مذهبی نمیشناسد. اما آمریکا می‌خواهد رژیم در عراق با ایجاد تعادل میان سران قومها و مذاهب سر هم بندی کند و

انتظار دارد که سران قبایل و مذاهب و قومها این تعادل را حفظ کنند. اما آقای محمد نژاد به عنوان یک طرف دعوا، این تعادل را به رسمیت نمیشناسد و خواهان سهم خواهی بیشتر ملت کرد و یا بهتر است بگویم سران قوم کرد است. او از «سرداندن و دادن وعده های توخالی» ناراحت است و واقعا هم فکر میکند آمریکا فریبکاری میکند و سهم ناسیونالیسم کرد را نمیپردازد. آمریکا و متحدینش «اجازه نخواهند داد که کرکوک و شهرهای نفت خیز کردستان شامل اداره و جغرافیای مناطق کردنشین قرار گیرد». انتساب کرکوک به یک قومیت با ترکیب جمعیتی متنوع چیزی جز آتش جنگ قومی نیست که نه تنها کرکوک بلکه کل عراق را به آن گرفتار میکند. کرکوک را باید شهر شهروندان و ساکنین قدیم و جدید، شهری با هویت انسانی تعریف کرد، شهری به دور از دستبندیهای قومی نامید و بر این اساس راهل درست و انسانی، بر مبنای احساس مسئولیت در قبال سرنوشت آنان و کوشش برای ایجاد تفاهم بیشتر و تداوم همزیستی دیرین تأمین کرد.

مطالبه ناسیونالیسم کرد در عراق

کومه له و آقای محمد نژاد وقتی در باره عراق صحبت میکنند به توصیف کلی وقایع در عراق میپردازند، اما وقتی به کردستان مطالبه دارند. برای هر انسانی که به ناسیونالیسم و مذهب آغشته نباشد، آینده حاکمیت و نوع رژیم سیاسی در عراق همانقدر باز است که آینده حاکمیت و رژیم در کردستان عراق. مشکل کومه له این است که وصلت او با جنبش ملی موجب میشود که کاری به سرنوشت ملیتها و مردم دیگر نداشته باشد.

برای یک کمونیست در این دوره در عراق همبستگی مردم عراق، متحد و متشکل کردن کارگران، مبارزه برای سکولاریسم و بر علیه مذهب و نیروها و دسته های اسلامی، مبارزه برای آزادی و برابری زن و مدرنیسم، وظایف فوری است. وظیفه فوری، مبارزه بر علیه آلترناتیوهای فدرالی و قومی و تقویت کمونیسم و کارگر در عراق میباشد. اما کومه له و آقای محمد نژاد در اینجا در

ضرورت حمایت از اعتصاب سراسری معلمان



عبدالله شریفی

اسلامی نگذشته است که خیزشهای شهری از سمرقند تا اصفهان، از سمنجان تا اصفهان، از دماوند تا مریوان، از بم مصیبت دیده تا شمال، بیوقفه دامنه پیشروی مردم را نشان میدهد.

در این فضای پر جوش و اعتراضی جامعه ایران، معلمان همواره نقش برجسته ای ایفا کرده اند. در همین روزها، در امتداد اعتراض و اعتصابات چند سال گذشته، روز ۱۶ اسفند بار دیگر اعتصاب معلمان در تهران، کرمانشاه، همدان، اصفهان، اردبیل، اورمیه، شیراز، کاشان و شهرهای کردستان و.. بطور گسترده ای شروع شد. هنوز یکروز از این اعتصاب نگذشته بود که مناطق ۲۲ گانه تهران به این اعتصاب پیوست. هر چند خواست معلمان خواست رادیکال و انسانی است، هر چند مبارزه برای ابتدایی ترین حق خود و جامعه، علیه تبعیض

و سانسور، برای بیمه مسکن، افزایش حقوق و مزایا، بیمه درمانی، مطالباتی است که خواست و مطالبه اکثریت جامعه است. اما این زاویه از این حرکت وسیع گویای تمام شکوه و اهمیت آن نیست، بلکه زوایایی مانند در به میدان آمدن متحد و سراسری این حرکت میباشد، که اهمیت ماجرا را به ما میگوید. پیوستن اقشار وسیع جامعه ایران به این حرکت شکوهمند، پیام و امید به آینده روشن را ترسیم میکند. اعتصاب معلمان، تنها اعتصاب صنف معینی از جامعه نیست، تنها اعتراض "اقتصادی" قشری در جامعه ایران نیست. بلکه حرکت انسانهای بیشمار و زحمتکش و واقعا مفید برای ارتقا دانش و آگاهی میلیونها کودک و نوجوانانی است که سرنوشت هر جامعه ای را رقم میزنند. به این اعتبار به میدان آمدن مجدد معلمان در این سطح وسیع حکم تناقض رژیم

اسلام سیاسی با تعالی معنوی جامعه را با خود همراه دارد و بنابراین تحرک معلمان در نهایت مرگ هیولای اسلامی جنایت و کشتار را محتوم اعلام میکند. دارند نابودی دستگاه فقر و فلاکت و تبعیض را نوید میدهند. اهمیت سراسری شدن و سراسری کردن هر حرکت اعتراضی در این متن برجسته میشود. مسلما معلمان، بخش کارکن و ستمدیده جامعه تحت حاکمیت قوانین کثیف اسلامی هستند، که با اعتراض خود، خواست دانش آموزان، دانشجویان، خانواده آنها، مردم محله و کوچه و خیابان محل زندگی آنها را فریاد میزنند. این حرکت سزاوار بزرگترین حمایت و همبستگی است. همانطور که انتظار میرفت حرکت سراسری معلمان به شهرهای کردستان نیز رسید و این بار نیز، همانند دوهفته گذشته (مقابله با مضحکه انتخابات)، شاهد جلوه های دیگری از ظرفیت قدرتمند اتحاد و یکپارچگی خواهیم بود.

معلمان و دانش آموزان، با توجه به فضای مساعد اعتراضی جامعه علیه جمهوری اسلامی، میتوانند بیدرنگ شهرهای کردستان را به دور دیگر از تعرضات انقلابی علیه حکومت اسلامی فرابخوانند. نباید فراموش کرد که، موازنه موجود بین مردم و رژیم اسلامی، خود به خود بوجود نیامده است. مقاومتها، تحریکات اعتراضی، پیشروی مداوم، عبور از ترندها، به شکست کشاندن حیلها و به کنار گذاشتن توهمات طی سالیان متمادی، به این درجه از شفافیت و قدرت و توان رسیده است. بی شک پیوستن وسیع معلمان و دانش آموزان شهرهای کردستان به اعتصابات سراسری نه تنها زمینه به میدان آمدن مردم ستمدیده و منزجر از حکومت اسلامی را در هر محله و خیابان و شهر تسهیل میکند، بلکه گامها رژیم کشتار و ترور اسلامی را به لب گور نزدیک میکند.

کومه له، مقابله ناسیونالیستی

(ادامه از صفحه ۴)

مقاله اش فقط به دنبال کسب مطالبه ملی کرد است. مفضلا به تروریسم و رشد گروههای اسلامی در عراق میپردازد، اما از آن فقط به جدایی سرنوشت مردم کردستان عراق میرسد و میخواهد مردم کردستان سرنوشت جدای گل و بلبل خود را در زیر حاکمیت دار و دسته های ناسیونالیست، با تصرف شهر کرکوک ادامه دهند. مقابله ناسیونالیستی با تروریسم اسلامی محمد نژاد مقاله خود را در رابطه با فعالیت تروریسم اسلامی در کردستان عراق و با عنوان «تروریسم وحشیانه در کردستان عراق و دشواری راه» نوشته است. او برای اجتناب از این تروریسم، جداسازی سرنوشت مردم کردستان عراق را از بقیه عراق مطالبه میکند. واقعا ناسیونالیسم چقدر متعفن و زننده است. ناسیونالیسم حتی در مقابله با تروریسم اسلامی به این فکر میکند که چگونه این تروریسم از «ملت» او قربانی نگردد. شاید برای بقیه قربانیان اشک هم بریزد اما آنجا که باید به راه حل مقابله با آن بیاندیشید،

تفرقه های قومی و مذهبی و نهایتا جنگهای قومی و تروریستی در دنیای امروز است.

کومه له و تطهیر جنایت ناسیونالیسم کرد در عراق

هر ناظر بیطرفی که به رویدادهای کردستان عراق در دهه ۹۰ قرن ۲۰ و سالهای اخیر نظری سطحی انداخته باشد، خواهد دید که ناسیونالیسم کرد در طی این سالها فجایع زیادی را بر مردم کردستان عراق روا داشته است. بطور واقعی احزاب ناسیونالیستی حاکم مردم کردستان عراق را کروگان گرفته اند. ناسیونالیسم کرد در عراق از زمان شروع اجرای برنامه نظم نوین جهانی در عراق، خود را خادم این نظم در عراق معرفی کرد. برای کشتار مردم غیر کرد در عراق توسط نیروهای نظم نوین جهانی به سرکردگی آمریکا از همان سال ۹۱ هورا کشیدند. از محاصره اقتصادی مردم عراق که منجر به مرگ فقط میلیونها کودک منجر شد حمایت کردند. احزاب ناسیونالیست با زنده کردن و دامن زدن به مسائل عشیره ای و با تقسیم منطق کردستان میان خود، همانند گروههای اسلامی در افغانستان وارد جنگ با یکدیگر شدند و خانه های مردم را بر

سرشان خراب کردند. یک دهه، مردم کردستان عراق را بلاتکلیفی نگه داشتند و کردستان را مانند یک اردوگاه آواره گان اداره کردند و خود در منصب رئیسی این اردوگاه به پر کردن جیبهای خود و حاکم کردن دارو دسته های مسلح عشیره ای خود بر مردم کردستان عراق مبادرت ورزیدند. مسلما وجود این احزاب و فقر و فلاکت عظیمی که بر مردم کردستان تحمیل کردند و از هم پاشیده شدن شیرازه جامعه، به رشد جریانات تروریستی اسلامی کمک کرد. جریانات ناسیونالیستی حاکم بر کردستان عراق، چه با کمک مستقیم به جریانات اسلامی و چه با قرارداد و بند و بست با رژیم اسلامی ایران و چه با پر و بال دادن به عقب ماندگی فرهنگی و سیاسی، که قتل ناموسی هزاران زن یک نمونه از آن است، به رشد تروریسم اسلامی در عراق کمک کردند. تازه اگر تروریسم اسلامی دامن آنها را نگیرد، حاضر به هر نوع کمک و همیاری به آنها هستند.

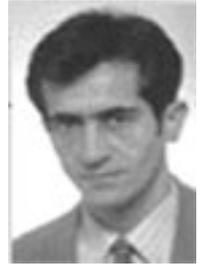
کومه له نه تنها تاکنون از گل نازکتر به ناسیونالیسم کرد نگفته است بلکه با دفاع از حاکمیت احزاب کردی و دولت خواندن آنها و دلسوزی برای «دولت نوپا»، به جز انتقاد به توهم احزاب کردی

به امریالیسم به همه چیز آنها مهر تایید زده است. البته توهم خواندن، همیاری و همراهی ناسیونالیسم کرد با کشتار مردم عراق و محاصره اقتصادی و نابودی مدنیت در یک جامعه و.. بیشتر تطهیر ناسیونالیسم کرد میباشد تا حتی یک گله گذاری. این حتی گله از این نیست که چرا مردم کردستان را وارد جنگ و کشتار برای ایجاد نظم نوین جهانی کردید. شرکت ناسیونالیسم کرد در کشتار مردم عراق را توهم نمیدن تطهیر ناسیونالیسم کرد است.

خاتمه

من شخصا انتظار بیشتری از کومه له برای دوری از جنبش ملی داشتم. اما مقاله های این جنبشی و موضع گیریهای کومه له نشان میدهد که کمونیستهای کارگری باید کلاهشان را بالا بیندازند و به همین اکتفا کنند که کل کومه له با سازمان زحمتکشان رفت. واقعا جای تاسف است که کومه له نمیتواند خود را از جنبش ملی دور سازد. آیا صدای چپی در کومه له نیست تا در برابر ناسیونالیسم خجول اما جان سخت، در کومه له قد علم کند؟

تاکی باید این وضعیت ضد انسانی را تحمل کرد؟



رئوف افسا

raoufafsa@yahoo.com

محسن مفیدی ۳۵ ساله از تهران در ۲۶ بهمن ۸۲ بر اثر شکنجه اسلامی در زندان کشته می شود. همچنین در رویداد تأسف بار دیگری یک زن جوان از شهرستان تفت استان یزد در یکم اسفندماه ۸۲ توسط شوهرش به قتل می رسد. اینها تنها نمونه های از هزاران رویداد دلخراشی است که در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی روزانه اتفاق می افتد. طبق گزارش عفو بین الملل محسن مفیدی ۴ روز بعد از خوردن ۸۰ ضربه شلاق در زندان جمهوری اسلامی جانش را از دست می دهد. در مردادماه ۱۳۸۲ نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به خانه محسن مفیدی حمله کرده و او را همراه دو خواهرش به نامهای مهدیس و نیکا که یکی از آنها کمتر از ۱۸ سال سن دارد را به جرم داشتن آنتن ماهواره ای بازداشت می کنند. سپس مهدیس و نیکا را به ۱۳۰ ضربه شلاق و محسن را به ۴ ماه زندان و جریمه نقدی ۸۰

◀ ضرورت حمایت

در حالیکه هنوز جو داغ و انقلابی روز هشت مارس بر جامعه حاکم است، از همیشه ممکن تر است که معلمان در کردستان به پشتگرمی اعتصاب سراسری معلمان و همگام با خود جامعه کردستان را نیز بسیج کنند و به صحنه بیاورند. در این روزها و با این حرکات انقلابی است که آینده سیاسی ایران رقم زده میشود. باید اهمیت تاریخساز این روزها را دریافت. اعتصاب سراسری معلمان و بیشتر از آن حمایت دانش آموزان و دانشجویان و فراتر از آن همراه کردن خانوادههای کل این جمعیت دریایی از جمعیت و اراده متحد است که شکاف درونی رژیم اسلامی را صد چندان

ضربه شلاق محکوم می کنند. محسن در طول مدت زندان به مشکلات عفونت ریوی و سینوس مبتلا می شود و بخاطر مریضی ناشی از عفونت شدید چندین بار بیهوش می شود. بالاخره او آزاد می شود و اما قبل از آزاد شدنش از زندان، علی رغم اینکه مریض بوده، زندانبانان او را مناسب برای زدن شلاق تشخیص می دهند و او را شلاق می زنند که بلافاصله بیهوش میشود و وی را تحویل فامیلهایش می دهند تا وی را به بیمارستان ببرند، او را در بیمارستانی در تهران بستری می کنند و پزشکان به دلیل عفونت زیاد در بدنش برای وی آنتی بیوتیک تجویز می کنند. اما متأسفانه محسن مفیدی ۴ روز بعد از خوردن ضربات شلاق جانش را از دست می دهد و به این شیوه تراژیک، برگی دیگر به پرونده قطور پر از جنایات جمهوری اسلامی اضافه می شود. پزشکان معالج می گویند که مقتول هیچ سابقه مشکل قلبی نداشته و مرگ وی ناشی از عفونت شدید و ضربات شلاق بوده که مقاومت بدن وی را شدیداً پایین آورده است.

خبر کشتن زن جوان در شهرستان تفت توسط شوهرش از این قرار است که زن مقتول ۴ ماه پیش توسط پدر شوهرش با زور مورد تجاوز قرار می گیرد و در نتیجه آن حامله می شود. بعد از گذشت ۴ ماه بالاخره شوهرش متوجه

ماجرا می شود و عقده های ناموسپرستانه اش را به روی همسر حامله و بیگناهی می ریزد و بطرز فجیعی وی را به قتل می رساند. طبق تحقیقات به عمل آمده زن مقتول قبلاً ماجرا را به مادرش گفته بود، اما مادرش او را تحت فشار گذاشته بود که باید به خانه شوهرش برگردد و مسئله را به فراموشی بسپارد، در غیر اینصورت مردم متوجه می شوند و باعث آبروریزی برای خانواده دختر می شود.

توجه کنید در پشت این رویدادهای ظاهراً کوتاه و اما دلخراش چه جنایات بزرگتری خوابیده است. چه جنایات وحشیانه ای از طرف دولت و جامعه علیه زنان صورت می گیرد. چه جهنمی در سایه شوم رژیم جمهوری اسلامی نصیب مردم ایران شده است. روزانه ده ها و صدها نمونه از این خشونت علیه مردم و بویژه زنان صورت می گیرد. در اینجا شوهر ظاهراً از زاویه "ناموسپرستی" انتقام گرفته است، اما او بی رحمانه به ضعیف ترین نقطه در این مناسبات ناعادلانه و غیر انسانی که جمهوری اسلامی بانی آن است، یعنی به همسر بی گناهش که قبلاً هم مورد تجاوز قرار گرفته، حمله کرده و او را کشته است. حتی اگر "فرض" بگیریم که حق با او بوده، می بایست او پدر خود را که تجاوزکار بوده بانی ماجرا میدانست. اما بطور واقعی مقصر اصلی شوهر نیست، او خود نیز قربانی مناسبات و قوانین و نظم سرمایه و اسلام موجود است که روزمره مردسالاری و خشونت و انتقام جویی را در جامعه تولید و بازتولید می کند. در واقع جمهوری اسلامی مقصر اصلی است. رژیمی که در مدت ۲۵ سال گذشته خود مجری خشن ترین خشونتها در جامعه ایران بوده است. رژیمی که اعدام در ملاء عام، سنگسار، قطع انگشتان، شلاق، زندان و شکنجه، بازداشتها بی رویه، ترور و ناپدید کردن فعالین سیاسی، و سرکوب و دخالتهای پلیسی در زندگی خصوصی مردم جزء لاینفک آزادی، امکان واقعی برای اینکه هر حرکت اعتراضی را چند برابر قوی تر کنیم، بیشتر و نیروها را با اعتماد به نفس بیشتری در صحنه نگاه میدارد. ۸ مارس ۲۰۰۴

نمی شود. و یا اگر برابری اقتصادی و سوسیالیسم حاکم باشد، دیگر کسی بخاطر فقر اقتصادی و عقب ماندگیهای فرهنگی به خشونت متوسل نمی شود.

تا کی باید این وضعیت ضد انسانی را تحمل کرد؟ تا کی باید گذاشت رژیم ضد انسانی جمهوری اسلامی به حیات پر از جنایتش ادامه بدهد؟ تا کی ما شاهد کشتن انسانهای باشیم که برای استفاده کردن از امکانات بسیار ابتدایی زندگی و داشتن ابتدایی ترین حقوق انسانی خود تلاش می کنند؟ باید جمهوری اسلامی را انداخت و از شرش خلاص شد. شرط اول رهایی از هرگونه خشونت خانوادگی و اجتماعی و پلیسی، رهایی از فقر اقتصادی و عقب ماندگی فرهنگی، رهایی از مردسالاری و زن ستیزی و کودک آزاری، و بلاخره رسیدن به آزادی و برابری و یک دنیایی بهتر سرنگونی جمهوری اسلامی است. باید با گسترش مبارزات انقلابی، جمهوری اسلامی را بوسیله یک انقلاب وسیع اجتماعی سرنگون کرد و حول برنامه ها و سیاستهای رادیکال و انسانی که منافع و حقوق تمام شهروندان جامعه را یکسان می شمارد متحد شد. حزب کمونیست کارگری آماده ترین و قوی ترین آلترناتیوی است که می توان به آن تکیه کرد. به حزب کمونیست کارگری پیوندید.

گفتگو

(ادامه از صفحه ۷)

به آنها بپردازیم. وظیفه خود میدانم که از رفیق رحمان حسین زاده بخاطر نقشی که تقریباً در تمام شماره های ایسکرا داشته است، علیرغم فشار کارهای دیگری که به عنوان دبیر کمیته دارد سپاسگزاری کنم. من هم به سهم خود لازم میدانم تاکید کنم که پیشرفت کار ایسکرا بدون ادامه این نقش رحمان اگر نه غیر ممکن، که دشوار است. در عین حال از تمامی رفقای که برای ایسکرا مینویسند، پیشنهادات خلاق و سازنده خود را همیشه پیگیری کرده اند و نواقص و کمبودها را گوشزد میکنند، صمیمانه سپاسگزاری کنم و بدینوسیله یک بار دیگر از بسیاری رفقای دیگر بخواهم که ایسکرا را از تجارب و دخالتگرها و رهنمودهای خود محروم نکنند. بسیار سپاسگزارم برای ترتیب دادن این مصاحبه. □

مردسالاری افسارگسیخته در جامعه ایران به بخشی از اتفاقات زندگی روزانه اقشار مختلفی از مردم تبدیل شده است. در این رابطه وقتی با دیگران وارد بحث می شوید تعدادی می گویند عامل اصلی خشونت های خانوادگی عقب ماندگی فرهنگی و فقر اقتصادی است و آگاهانه و یا ناآگاهانه از عامل اصلی طفره می روند. بنظر من مسئله آنقدر روشن است که احتیاج به اثبات آن اصلاً مشکل نیست. من عقب ماندگی فرهنگی و فقر اقتصادی را نادیده نمی گیرم و مسلماً این عوامل در گسترش خشونت های خانوادگی و اجتماعی تأثیر دارند. اما مگر دولت سرمایه داری جمهوری اسلامی مسئول عقب ماندگی فرهنگی و فقر اقتصادی و تمام مصیبت های دیگر جامعه ایران نیست؟ مگر دولت جمهوری اسلامی در این مدت ۲۵ سال حاکمیتش جامعه ایران را به فقر نبرده است؟ مگر قوانین ارتجاعی و اسلامی ۱۴۰۰ ساله که شدیداً ضد انسانی و بویژه ضد زن است بطور رسمی حاکم نیست؟ آری همه اینها وجود دارند و باتوجه به همین واقعیتهاست که می گویم عامل اصلی و درجه اول در اجرا و گسترش خشونت های خانوادگی و اجتماعی در ایران رژیم جمهوری اسلامی است. این را به وضوح و با هزاران نمونه می توان توضیح داد. محسن حمیدی را بخاطر داشتن آنتن ماهواره ای به طرز فجیعی می کشند، اگر این خبر را برای یک اروپایی بازگو کنید یا باور نمی کند یا شوکه می شود که چطور ممکن است بخاطر دیدن تلویزیون انسان را کشت؟ البته حق با اوست، ولی اینها واقعیت های جامعه ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی است.

قوانین مدنی و حقوقی مدرن و پیشرو در هر مملکتی تأثیر مستقیم و انکارناپذیری در دگرگونی فرهنگ و روشهای زندگی مردم رو به جلو در جامعه ایفا می کند. در ایران جمهوری اسلامی نه تنها چنین کهنه قوانینی نیست، بلکه قوانین قرون وسطایی و اسلامی اجرا می شوند. برای مثال اگر در قانون زن و مرد برابر باشند و در حق طلاق مساوی باشند، آنوقت مردسالاری و خشونت خانوادگی شدیداً کاهش می یابد و جرم محسوب می شود. یا اگر آزادی بی قید و شرط سیاسی و قلم و بیان وجود داشته باشد، دیگر کسی بخاطر داشتن آنتن ماهواره ای کشته

خشونت علیه زنان و کودکان و

گفتگو با ایرج فرزاد در باره ایسکرا



۱- شماره ۲۰۰ ایسکرا هفته قبل منتشر شد. در همان شماره قبل دادیم در مورد ایسکرا با شما صحبت کنیم. مقداری از ایسکرا برایمان بگویید. سابقه این نشریه و از چه زمانی نشریه کمیته کردستان حزب شد و شما از کی سردبیری آن را به عهده گرفتید؟

نشریه ایسکرا ابتدا نشریه حزب کمونیست کارگری بود که رهبری وقت حزب آن نام را انتخاب کرد و از تاریخ ۶ مارس ۱۹۹۸ تا ۱۳ فوریه ۹۹ به سردبیری رفیق فاتح شیخ و مسئولیت اجرایی رفیق غلام اکبری در قطع A3 شماره آن منتشر شد. از شماره ۲۲ ایسکرا نام نشریه کمیته کردستان حزب شد و دوره دوم انتشار آن از شماره ۲۳ تا شماره ۴۰، یعنی در فاصله ژوئن ۹۹ تا ۲۶ ژانویه ۲۰۰۱ به سردبیری رفیق حسین مراد بیگی منتشر شد. در این دوره من بعنوان مسئول اجرایی ایسکرا کارهای صفحه بندی و Layout آنرا انجام میدادم. و از شماره ۴۱ تاکنون مسئولیت سردبیری و صفحه بندی را تواما به عهده داشته ام.

۲- چرا اسم ایسکرا؟ سابقه این نامگذاری چیست؟

ایسکرا به معنی جرقه است و یک نشریه بلشویکیها بود که نقش بزرگی در اشاعه کمونیسم و سازماندهی انقلاب اکتبر داشت. محبوبیت این نام و سنتهای آن الهام بخش حزب برای انتخاب آن نام برای ما بود.

۳- به طور روتین پروسه کار برای درآوردن یک شماره نشریه چگونه است؟ چه میزان وقت شما را میگیرد؟

معمولا هر نشریه ای یک deadline دارد. صرفنظر از برخی کوتاهی ها، اساسا برای نشریه ای که میخواهد یک ابزار مبارزه سیاسی در دست یک جریان کمونیستی و فعالین اجتماعی این گرایش باشد، بعضی اتفاقات پیش می آید که ناچارا باید ایسکرا به آنها بپردازد و بنابراین

آن روال روتین اداری همواره طبق جدولبندیهای روتین شده پیش نمیرود. گاه اتفاق افتاده است که من نشریه را بسته ام اما وقایعی مهم پیش آمده است که مجبور شده ام آرایش مطالب و انتخاب آنها را مجددا تنظیم کنم. اتفاقات مهمی مثل فستیوال آدم برفی در سئندج در دفاع از حقوق کودک، یا مسائل انتخابات اخیر و از این قبیل برای نمونه. از این نظر زمان لازم برای بستن یک شماره ایسکرا قدری غیر متعارف است. بعلاوه گاهها هم رفقای که برای ایسکرا مقاله و مطلب مینویسند تاخیرهایی دارند که در تنظیم و به موقع منتشر کردن آن بی تاثیر نیست. من بعد از گرفتن مطالب و مشورت دائمی در هر شماره با دبیر کمیته کردستان، مطالب را از هر نظر ادیت میکنم و معمولا اگر فرصت کافی باشد که در این مورد از بیشتر نویسندگان ایسکرا گله دارم! با رفقای نویسنده در باره مواردی که ملاحظه داشته باشم، دیالوگ میکنم. همینجا تاکید کنم که این رفت و برگشتها برای خود منم آموزنده بوده است. طبعاً ایسکرا و دیگر نشریات حزب باید خود را برای تبدیل شدن به یک روزنامه یومیه آماده کنند و این کار و انرژی بیشتر و دخالت افراد بیشتری را میطلبد.

۴- بعد از اتمام کار و ارسال نشریه چه احساسی به شما دست میدهد؟

احساس میکنم کار مفیدی انجام داده ام، محصولی تولید کرده ام که بویژه اگر پر بار باشد، به من انرژی میدهد. مثل کسی که حاصل دسترنج و زحمت خود را در شرایط محو مناسبات کالایی با دیگران تقسیم میکند. احساس آرام بخشی به من دست میدهد. بعلاوه فکر میکنم که باین ترتیب با جمع بسیار وسیعی در تماس قرار گرفته ام و مخصوصاً وقتی قضاوتهای مثبت و پیشنهادات و حتی انتقادات سازنده ای را میشنوم و میخوانم و جمله: "ایسکرا نشریه ای خواندنی" است بگویم میخورد، فکر میکنم که نتیجه کار رضایت بخش بوده است.

۵- چه عکس‌العملهایی در رابطه با نشریه دریافت کردید؟ مجموعاً عکس‌العملهای مثبتی را شاهد بوده ام. طبعاً همانطور که گفتم پیشنهادات و انتقادات هم طرح شده اند. گاهی از اینکه نتوانسته ایم انتظارات مطرح شده را برآورد کنم، احساس خوبی

نداشته ام، فکر میکنم با همین ماتریال انسانی و تعداد وسیعی از کادرها و فعالین امر کمونیسم کارگری، ایسکرا میتواند بسیار غنی تر و زنده تر و سیاسی تر باشد. خود من شخصا به رفقای زیادی مراجعه کرده ام و از آنها خواسته ام که دست به قلم بزنند، از انبان تجارب عظیمشان مردم را در جریان بگذارند، و ازاینکه این تعداد بی شمار فعالین کمونیست هنوز ایسکرا را بعنوان یک ابزار خود بدست نمیگیرند، گاه تاسف هم میخورم. اما باید تاکید کنم که متقابلاً احساسم این است که ایسکرا هنوز انتظارات واقعی دوستداران و خوانندگان خود را برآورد نکرده است. پیشنهادات مختلفی مثلاً برای زنده تر کردن نشریه دریافت کرده ام، اینکه مصاحبه های بیشتری داشته باشیم، اینکه بسیاری، حال به هر دلیل و بخاطر هر پیشینه و سنتهایی، سختشان است که راساً دست به قلم بزنند. ایسکرا میتواند و میتواند کماکان میتواند متکرر به حرکت در آوردن بسیاری قابلیتهای پنهان و بیان نشده باشد. این انرژیها و این ذخائر عظیم کمونیستهای که سالها تجربه اندوخته اند، با مسائل پیچیده سرو کار داشته اند، رهبری مبارزات توده ای را در کردستان به عهده داشته اند و مورد اعتماد و محبوب مردم اند، حیف است فوران نکنند و در سینه ها محبوس بمانند.

پیشنهاداتی شده است که مثلاً ایسکرا در عین حال یک کانال دیالوگ و مناظره باشد با فعالین جنبشهای اجتماعی و فعالین کمونیسم کارگری. این امر انجام نشده است. قصد توجیه ندارم، ضمن تاکید بر اهمیت آن باید بگویم یک جنبه همین مساله در پیش گرفتن موضع فاعلتر از جانب مخاطبین ایسکراست. باید نشریه را مال خود دانست، آنرا در مقابل عمل انجام شده قرار داد و عملاً سواها را و مسائل را طرح کرد.

۶- از چه نوع ایسگرایی رضی هستید؟ آیا مواردی بوده احساس کنید، این شماره نشریه حق مطلب را ادا نکرده، و باز سرهفته اجباراً آن را منتشر کرده‌اید؟

راستش با سطح توقعات ما و با سنتی که منصور حکمت برای ما راه انداخت، همیشه از کار ایسکرا یک نارضایتی، علیرغم لذت بخش بودن کار با ایسکرا، داشته ام و در این یک تصور عمومی و در رهبری حزب و کمیته کردستان است. این بطورکلی. اما مواردی هست که من از ایسکرا رضی

بوده ام، آخرین نمونه اش همین ابتکار انتشار ایسکرای ویژه که به بحث مواضع جریان کمونیسم کارگری و شخص منصور حکمت از ارزیابی از جنگ کومه له و حزب دمکرات پرداخت. موارد دیگر را میتوانم برای مثال فوکوس کردن روی مسائلی که ناسیونالیسم کرد خواسته است در ذهنیتها شکل بدهد مثل افشای ماهیت ارتجاعی طرح فدرالیسم قومی و ملی، پوچ کردن پروژه های دو خرداد در کردستان، بحث دیالوگ از راه فرهنگ و افشا و منزوی کردن جریانات ارتجاعی قومی. در مجموع بگویم نه من و نه دبیر کمیته کردستان و نه رهبری حزب و نه کادرهای کمیته کردستان از اینکه نشریه ای را فقط بخاطر انتشار در روز و ساعت معین، بدون توجه به پرمحتوا بودن آن، داشته باشیم، هیچگاه احساس رضایت نکرده ایم. تلاشمان این بوده است و این خواهد بود که نشریه یک حالت خشک، بیروح و غیر انتقادی و غیر جدلی بخود نگیرد. هر شماره ایسکرا که شوق برای خواندن آن ایجاد نکرده باشد، بیشترین نارضایتی من را هم بوجود می آورد.

۷- در مجموع چه ارزیابی از جایگاه نشریه ایسکرا دارید؟

من تصورم این است که ایسکرا در مجموع ارتقا یافته است و جایگاهش را مهم میدانم چون همانطور که گفتم صرفاً یک نشریه ای نیست که روشننگری میکند. این نشریه کمیته ای است که وسعت آن به تنهایی با بزرگترین احزاب سیاسی قابل مقایسه است. همین نشست چهارم شورای کادرهای کمیته کردستان نشان داد که مباحث آن در حد یک کنگره احزاب سیاسی و مطرح بود. فکر میکنم اگر از این زاویه یعنی بعنوان ابزار دست انسانهای بی شمار کمونیست، ایسکرا را در نظر داشته باشیم، جایگاه آن روشن تر شده باشد. این نشریه هم اکنون یک عامل فشار بزرگی در برابر رژیم اسلامی، پروژه های مختلف ارتجاعی ناسیونالیسم و قوم پرستی کرد، و وسیله مهمی در ایجاد همبستگی مبارزاتی مبتنی بر اصالت انسان و رهایی انسان از قید خرافه های مختلف ملی مذهبی است.

۸- بعضی وقتها گفته میشود، مصاحبه، میزگرد، دیالوگ مستقیم با رفقای شهر در نشریه کم است؟ این مشکل را چگونه مبینید؟ و به فرض قبول این مشکل راه حل چیست؟

کاملاً با این پیشنهادات و انتقادات موافقم. فکر میکنم وارد دیالوگ شدن با رفقای شهر و بحث با آنها بر سر مسائلی که یک فعال و اکتیو سیاسی کمونیسم کارگری با آنها روبروست، مهم اند. برای حل این معضل باید دو کار کرد: اول اینکه خود آن رفقا مسائل و مشکلات و همینطور نقطه نظرات و پیشنهادات خود را طرح کنند، ابهامات و سوالاتی را که در جریان زندگی و مبارزه مردم با آنها روبرو میشوند با ایسکرا در میان بگذارند و پاسخ و راه حل را از حزب و کمیته کردستان بخواهند و دوم اینکه خود کمیته کردستان و مسئولینی که در تقسیم کارها وظایف مشخص در رابطه با فعالین شهرها را دارند، تم ها و جهت گیریهای این میزگردها و مصاحبه ها و روال دیالوگها را تعیین کنند و ایسکرا را در این رابطه بدست بگیرند و فعال کنند.

۹- برای دوره آتی کار سیاست مورد نظر شما برای پیشبرد کار نشریه چیست؟ موفقیت بیشتر نشریه را در چه می بینید؟

با شتابی که روند تحولات اوضاع ایران در پیش گرفته است، ما شاهد تحركات اعتراضی وسیعتر و توده ای تری خواهیم بود، همه جریانات و احزاب از چپ و راست فاعلتر میشوند و سعی میکنند که بر پروسه سرنگونی و سقوط رژیم اسلامی مهر و نشان گرایش و طبقه خود را بزنند. تصورم این است که ایسکرا نه تنها باید بر مشکلات فعلی خود سریعاً غلبه کند، بلکه فراتر از آن باید آماده باشد که به یک روزنامه تبدیل شود. طبعاً توقع خوانندگان از ایسکرا هم بالاتر خواهد رفت و این به نوبه خود در برابر کمیته کردستان و تمام رفقای که برای ایسکرا مینویسند و یا میخواهند آنرا چون یک ابزار موثر دخالتگری سیاسی بدست بگیرند، خواستههای بالاتر و با کیفیت بیشتری را طرح میکنند.

بطور خاصه بگویم مطالب ایسکرا باید انتقادی، جدلی و با زبان تبلیغی موثر و زمینی که تعداد هر چه وسیعتری از مردم و مخاطبین را به سمت سیاستهای رادیکال و انسانی جذب و قانع کند، روال کار خود را تسریع کند. نکات بسیار دیگری را میتوان

مثلاً در باره چگونگی نوشتن برای ایسکرا و سبکهای نگارش برشمرده که من امیدوارم در فرصتهای دیگر و یا در جریان بحث و جدل و مقالات و میزگردها

شهر های کردستان زیر آتش خاکستر

دیروز ۱۸ اسفند ماه، مردم شهرهای مهاباد و سردشت به بهانه شنیدن خبر تصویب قانون اساسی عراق به خیابانها ریختند. بدیهی است که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی از بدو تولد، در میان مردم کردستان با تنفر و انزجار رویرو بوده است. این مردم، همیشه منتظر فرصتی هستند تا رژیم را به چالش بطلبند. جشن آدم برفی، تاج گل گذاشتن به یادبود جانباختگان اعتراضات کارگری خاتون آباد در شهر سنندج، برگزاری اول ماه مه و روز هشت مارس، به آتش کشیدن صندوقهای مضحکه انتخابات رژیم در

مربان و بوکان، تظاهرات علیه جنایت رژیم به خاطر به قتل رساندن ۳ جوان در شهر سردشت، فراری دادن زندانیان سیاسی در شهر مهاباد، همه و همه حکایت از یک نارضایتی عمیق مردم از رژیم جمهوری اسلامی و عزم جزم آنها برای سرنگونی آن است. انزجار از رژیم از یک سو و ضعف و زبونی رژیم از طرف دیگر به، جایی رسیده است که مردم هر رویداد کوچک و بزرگ را بهانه قرار داده و به خیابان میریزند. در خیابان و تظاهراتشان خواست و شعار خود را که همانا آزادی و برابری طلبی است طرح مینمایند.

مردم مبارز شهرهای مهاباد و سردشت!

رژیم جنایت کار جمهوری اسلامی، در بن بست کامل است. با مبارزات سراسری و عمیق کارگران، معلمان، جوانان و زنان رویرو است. ضربات پی در پی مردم سراسر ایران کمر این رژیم را خم کرده است. نباید اجازه دهیم کمر راست کند. دوش به دوش مردم سراسر ایران باید این رژیم را زیر ضربات هر روزه گرفت. باید با خواست آزادی و برابری طلبی به میدان آمد و با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و آزادی و برابری صف خود را متحد کنیم.

درد بر مردم مبارز شهرهای مهاباد و سردشت

حسن قادری

۱۸ اسفند ۱۳۸۲

۹ مارس ۲۰۰۴

اطلاعیه

حزب کمونیست کارگری را انتخاب کنید

با توجه به اوجگیری مبارزات مردم در سراسر ایران و ضرورت بیش از پیش مبارزات متشکل در شرایط و اوضاع ایران و کردستان، من هم تصمیم گرفتم که مبارزات متشکل خود را در حزب کمونیست کارگری از سر بگیرم.

لازم به یادآوری است من از ۱۲ سال پیش که حزب کمونیست ایران را ترک نمودم، هرچند عضو حزب کمونیست کارگری نبودم اما همیشه خود را متعلق به جریان کمونیسم کارگری میدانستم و از هر فرصتی برای تقویت این جریان استفاده نموده ام.

اما امروز مبارزه یکپارچه و متحد و حزبی وظیفه همه آزادیخواهان و کمونیستهاست. در اینجا از فرصت استفاده کرده و از دوستان و آشنایانم در شهرهای کردستان بویژه مهاباد و سردشت که مشوق فعالیت متشکل من در حزب کمونیست کارگری ایران بودند صمیمانه تشکر می نمایم.

۱۸ اسفند ۱۳۸۲

۸ مارس ۲۰۰۴

به رفیق عزیز حسن قادری اعلام رسمی و علنی تداوم فعالیت متشکل شما با حزب کمونیست کارگری بسیار خوشحال کننده و ارزشمند بود.

نه به این خاطر که گویا این آغاز فعالیت حسن قادری با حزب کمونیست کارگری است. همه انسانهای آشنا به موضوع میدانند حسن قادری بخش انتگره و جزو پیکره جنبش کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری و از سرمایه‌های سیاسی این جنبش بوده و هست. اقدام اخیر این حسن را دارد که این سرمایه سیاسی کمونیسم کارگری در موقعیت شایسته و مناسب خود و در دوره‌ای حساس و تعیین کننده رسالت مهم خود را در پیشبرد مبارزه پیشارویمان ایفا میکند.

موفقیت تان را صمیمانه آرزومندم رفیق شما

رحمان حسین زاده

۱۹ اسفند ۱۳۸۲

۹ مارس ۲۰۰۴

شروع بکار مجدد تلویزیون انترناسیونال هر شب ساعت ۹ الی ۹.۳۰ شب به وقت تهران

تلویزیون انترناسیونال از ۱۱ اسفند (اول مارس) مجددا شروع به کار خواهد کرد.

تلویزیون انترناسیونال، صدا و تصویر آزادی، سیمای برابری و انسانیت، صدا و تصویر سوسیالیسم است.

تلویزیون انترناسیونال تریبون حزب کمونیست کارگری ایران برای همه آزادیخواهان و برابری طلبان است.

برنامه های این تلویزیون هر شب ساعت ۹ تا ۹.۳۰ شب به وقت تهران از شبکه تلویزیونی کانال جدید پخش خواهد شد.

این برنامه‌ها همزمان در اروپا نیز پخش میشود تلویزیون انترناسیونال بعلاوه از طریق شبکه اینترنت نیز بطور زنده قابل دسترس و در اختیار همگان قرار خواهد گرفت.

تلویزیون انترناسیونال را ببینید و دیدن آنرا به همه دوستان و آشنایان تان توصیه کنید. با ما همکاری کنید تا در مقابل انواع تلویزیون ها و رسانه های راست، صدا و سیمای حقیقت و انسانیت در ایران پخش شود.

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12

Center Frequency: 12608 MHz

Symbol Rate: 19279

FEC: 2/3

Polarization: Horizontal

ای میل: wpitv@yahoo.co.uk تلفن: ۲۷ ۲۲ ۵۹۰ ۷۸۱ ۰۰۴۴

مدیر تلویزیون انترناسیونال

آذر مدرسی

۲۴ فوریه ۲۰۰۴

آدرس تماس

اطلاعیه و فراخوان جمعی از اعضای شرکت تعاونی مسکن کارگران دخانیات و خباز سقر صفحه ۲

مهلت داده شده دادگاه به وکیل می گذرد اما تا حال هیچ رایایی از طرف دادگاه صادر نشده است. این سوال مطرح است که چرا تقاضای حکم توقیف مالک در مدت ۱۴ روز صادر و اجرا می شود ولی لغو حکم توقیف ۲۵ روز طول می کشد و درخواست ما کارگران بدون جواب می ماند؟ چرا دادگاه بدون حضور نماینده کارگران دو جلسه را تشکیل می دهد؟

آری رفقا! بعد از تشکیل سندیکا و از زمانی که ما کارگران خباز برای بدست آوردن حقوق خود مبارزه متشکل خود را شروع نموده ایم. اطلاعات رژیم، اداره کار، خانه کارگر و دیگر نیروهای سرکوبگر و عوامل رنگارنگ شان مبارزه، اتحاد و انسجام ما کارگران را به چشم خود دیده اند به عناوین مختلف از جمله با زندانی نمودن اعضای سندیکا، دزدی از تعاونی، پاپوش دوزی برای فعالین سندیکا و تلاش آشکار برای تطمیع و فریب کارگران سعی نمودند که در صفوف ما کارگران رخنه کنند و اتحاد ما کارگران را بر هم زنند؛ بدین منظور خانه ضد کارگر که ارگان بلا واسطه جمهوری اسلامی است با همکاری اطلاعات و اداره کار، شخصی را که سالها است در ضدیت با منافع کارگران و دیگر مردم آزادیخواه بوده است مامور ایجاد تفرقه و دو دستی در میان کارگران خباز

نمود. شخص مذکور با وعده و وعید و پرداخت رشوه توانست چند نفر از کارگران ضعیف نفس را و همفکرانش را فریب و به خدمت خود در آورد. فریب خوردن این جمع و روحیه سازشکاری، توهم و دودلی، عدم درک جامع از موقعیت عینی و خود بزرگ بینی و خودخواهی جمعی دیگر، باعث ایجاد تفرقه و دو دستی در میان کارگران شد. وجود افرادی همچون همفکر و همکار اداره کار و اطلاعات رژیم، با وعده های توخالی باعث شدند جمعی از کارگران و عده ای کمی از مردم غیرکارگر را فریب داده و تعاونی مسکن خانه کارگر را تاسیس نمایند. این جمع با دزدی و اختلاس، مبلغ زیادی از دسترنج چند ساله کارگران را به جیب زدند تا جایی که حالا، هم با اعتراض مال باختگان رو به رو هستند و هم توان حسابرسی مالی شرکت و جواب دادن به کارگران را ندارند. اخیرا مردم با اعتراض خود، مسئولان شهر را مجبور نمودند که تمام حساب های تعاونی مسکن خانه کارگر را مسدود کنند.

ما جمعی از کارگران عضو سندیکای خبازان و تعاونی مسکن دخانیات، از «حزب کمونیست کارگری» و تمام سازمانها، اتحادیه ها و سندیکاهای مترقی جهان می خواهیم همانند گذشته با حمایت خود و افشای هر چه بیشتر ماهیت ضدکارگری خانه